

روزگاری یونسکو به گردشگران خارجی آدرس خانه مولوی را در مشهد برای اقامت می‌داده، خانه‌ای که ۲۵سال است خراب شده و تنها تکه بازمانده آن در حال فروافتادن است

باقی مانده این خانه بقا می‌یابد؟

لیلا کوچک‌زاده

آدم نمی‌داند با دیدن سردر خانه تاریخی مولوی که تنها میراث‌دار گذشته این بناست، خوشحال باشد یا به حال نزارش در این روزها که با دوتکه چوب حمال، سر پا مانده، غصه بخورد. سردر کاشی کاری شده با تزیینات فیروزه‌ای، که همراه درخت بلندقامت کاج حیاط، تنها بازمانده‌های خانه تاریخی نودویک‌ساله مولوی در کوچه سناباد ۱۳ هستند. کوچه‌ای که به نام فامیلی عبدالحمید مولوی، سازنده بنا، به «مولوی» شهره است. ماجرا از این قرار است که مرحوم عبدالحمید مولوی، عالم، پژوهشگر و تاریخ‌شناس مشهدی در اوایل قرن ۱۴، این بنا را می‌سازد و با اینکه واجد ارزش تاریخی شناخته می‌شود، ثبت ملی نمی‌شود. وارثان عبدالحمید در سال ۱۳۸۵ به دلیل قیمت‌گذاری پایین میراث فرهنگی، آن را به «مدرسه علمیه مهدیه آیت‌ا... فاضل» می‌فروشند. در ادامه تمام بنا تخریب شده، تنها نبود مجوز برای تخریب دیوار و درهای خانه آن را از ویرانی مصون نگه می‌دارد و این سردر فیروزه‌ای‌رنگ را برای ما به یادگار باقی می‌گذارد.
البته از آن سال تا به حال فاز یک حوزه علمیه ساخته شده است. یکی از درهای خانه تخریب و فقط این سردر و دیوار حائلش باقی مانده است. اما از سال ۹۰، در چوبی و دیوارش، قوس برداشته و نزدیک به دو سال است از سوی مالکان خانه، با دو حفاظ چوبی از خطر افتادن، درامان مانده است اما درنهایت تکلیف ماندن یا تخریبش بین دو سازمان شهرداری و میراث فرهنگی پاس کاری می‌شود و دست مالکان این بنا هم برای هر اقدامی بسته مانده است. گزارش پیش رو پیگیری ما برای تعیین تکلیف وضعیت این در و دیوار است که بی‌گمان بقا و سامانش در همین محل که نزدیک به دودهمه توانسته دوام بیاورد، خواسته دوستداران تاریخ و هویت شهرمان است.

● یادای خانه‌ای که دیگر نیست خانه مولوی، نزدیک به ۱۶ سال پیش تخریب‌شده‌است وهمان‌طور که گفته شد، فقط در و سردر فیروزه‌ای آن باقی مانده است. اما اهمیت باقی‌ماندن همین بخش بنا از آن روی است که می‌تواند میراث‌دار گذشته بااهمیت این ملک باشد. عبدالحمید مولوی، مالک‌خانه‌که‌رئیس اداره‌املاک‌آستان قدس و مدیر مسجد جامع گوهرشاد بوده،پژوهشگری است که‌گردخراسان را با اسب می‌گردد و آثار تاریخی آن را ثبت می‌کند. بخش جالب‌تر ماجرای این‌خانه‌ویران شده که‌مان‌توانسته‌ایم آن را برای تاریخ شهرمان حفظ کنیم، این است که یونسکونزدیک‌به ۷۰سال پیش، آدرس این خانه را به گردشگران خارجی می‌داده تا محل اقامتمان در مشهد باشد.

● دوروایت زیبا درباره خانه مولوی دومین موضوعی که این خانه را مهم می‌کرده، این بوده که در گذشته اینجا که دیگر نیست) در روزگار جمعه محل تجمع عالمان و بزرگان شهر بوده است و سواى همه این‌ها مرحوم شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی به دلیل دوستی با صاحب خانه، روزهای پایانی عمرش را برای مداوا در این خانه به سر می‌برده و همین‌جا هم دار فانی را وداع گفته است. مجتبی مولوی، تنها فرزند عبدالحمید که در مشهد ساکن و ۵۵سال در این خانه زندگی کرده است، می‌گوید: این خانه در سال ۱۳۱۰ خورشیدی در زمینی به وسعت ۱۳۵۰ مترمربع و با ۷۰۰ متر زیربنا از سوی پدرم ساخته شد. خانه دو در ورودی داشت و از ابتدای خیابان مولوی(سناباد۱۳)تا رسیدن به‌اولین بن‌بست کوچه، کشیده شده بود. روایت سوم هم این‌است که عبدالحمید در این حیاط، دو درخت کاج به مناسبت تولد دو فرزند پسرش می‌کارد که تنه آن‌ها به ۲/۵ متر می‌رسد و بسیار قد می‌کشند. خوشبختانه یکی از کاج‌ها همچنان سرپاست و در عکس‌ها هم پیداست اما دیگری در هنگام،ساخت‌وسازحوزه علمیه قطع شده است.

● دلیل فروش خانه چه بود؟ اما مولوی درباره دلیل فروش خانه و وضعیت ثبت ملی آن نیز توضیح می‌دهد: چندین سال از فوت پدرم گذشته بود و بیشتر اعضای خانواده به دلیل علاقه بسیار به این ملک، موافق فروش آن نبودند اما متأسفانه درنهایت به دلیل اصرار دوتن، خانه را فروختیم. او به این اشاره می‌کند

امیدحسینی‌نژادپدرش،حاج میرزاعلی محمدنجم‌التولیه، از علمای عصر خود بود و منصب مستوفیگری مسجد گوهرشاد و همچنین منجمی آستان قدس را داشت. این سبقه سبب می‌شود تا بعدها پس از کسب علوم مختلف خود عبدالحمید نیز در اوایل دوره پهلوی به دعوت میرزا طاهر طاهری، متولی مسجد جامع گوهرشاد، به عنوان معاون امور خدمات مسجد مشغول کارشود. او یکی از کسانی بود که از نزدیک ناظر واقعه گوهرشاد در تیر ۱۳۱۴ خورشیدی بود، زیرا برای مدتی وظیفه حفظ انتظامات مسجد گوهرشاد را نیز بر عهده داشت. او همچنین چندین سال رئیس اداره‌املاک آستان‌قدس و مدیرمسجدجامع گوهرشادبود. کتاب «آثار باستانی خراسان» که جلد اول آن آثار و ابنیه تاریخی جام، نیشابور و سبزوار را در بر می‌گیرد حاصل تلاش

مؤسسه ما، شهرداری منطقه یک برای تصمیم اداره میراث فرهنگی به آن‌ها نامه زده است.

● تثبیت سردر خانه مولوی الزامی است

برای اطلاع از آنچه بین شهرداری منطقه یک و اداره میراث فرهنگی درباره تعیین تکلیف وضعیت سردردیوار حائل خانه مولوی گذشته است با شهردار منطقه یک تماس می‌گیریم. او می‌گوید: شهرداری منطقه یک و گردشگری مشهد در شهپور به شهرداری این منطقه اشاره کرده و می‌گوید: در متن این نامه آمده با اینکه سردر و دیوار حائل خانه مولوی جزو آثار ثبتی نیست اما واجد ارزش تاریخی و فرهنگی شناخته‌شده‌است و تثبیتش الزامی است و نباید تخریب شود. شهردار منطقه یک، بیان می‌کند که مالک فعلی در زمان گرفتن پروانه و پاسخی در یافت نکرده‌ایم. فقط می‌دانیم در آخرین پیگیری نماینده



درباره مرحوم عبدالحمید مولوی (۱۲۸۶-۱۳۵۷)

او در شناسایی آثار باستانی این خطه است. در مقدمه کتاب، جلدهای دوم و سوم این اثر نیز اشاره شده اما طبق بررسی‌های انجام‌شده، این دو جلد در بحبوحه اتفاقات اوایل انقلاب، به دلیل سهل انگاری برخی دست‌اندرکاران از بین رفته است. روایت است که او به دلیل اطلاعات و معلوماتی که در کتاب‌شناسی داشته، مورد توجه و عنایت حاج حسین ملک قرار گرفته و خریداری و نگهداری نسخه‌های خطی نیز توصیه حاج حسین ملک به او بوده است. وی روزهای متعددی برای خرید نسخه‌های خطی به دست فروشی‌هایی که در میدان توپخانه تهران بساط پهن می‌کردند، مراجعه می‌کرده و با شناختی که به ارزش این نسخه‌ها داشته، موارد متعددی را با توجه به وسع مالی خود خریداری می‌کرده است.

خانه را تخریب کند که این اجازه از سوی شهرداری تا زمان کسب تکلیف میراث فرهنگی صادر نمی‌شود. طبق نظر میراث هم این بنا باید حفظ شود که تا امروز تخریبی صورت نگرفته است. او می‌افزاید: سردر باقی‌مانده جزوی از محدوده بافت تاریخی مشهد است و اگر ضعف و ناپایداری دارد، باید بازسازی شود. در این میان، بازسازی باید زیر نظر اداره میراث فرهنگی بعد از مستندنگاری کامل و دقیق اثر همراه با جزئیات کامل معماری آن انجام شود.

باوندی، در هنگام تهیه این گزارش، معاون فرهنگی و اجتماعی سازمان خود را مسئول پیگیری سریع‌تر این موضوع می‌کند و درباره اقدامشان می‌گوید: با توجه به نامه اخیر میراث فرهنگی مبنی بر ارزشمند بودن حفظ بنا سردر خانه تاریخی مولوی، نامه‌ای به میراث فرهنگی خواهیم فرستاد تا کارشناس مستند نگاری خود را به ما معرفی و برآورد اعتبار لازم را اعلام کنند. در ادامه ما تخصیص اعتبار خواهیم کرد و بازسازی بنا انجام خواهد شد.



تنها تصاویر باقی‌مانده از ساختمان‌ها و حیاط زیبای خانه تخریب‌شده مولوی پیش از سال ۱۳۸۵



مشهدیات

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت سی‌ام)

۴نماینده مشهدی‌ها در اولین مجلس شورای ملی

مرضیه ترابی

می‌خواستم هفته گذشته و به مناسبت سالروز شهادت شهید مدرس و روز مجلس این نوشتار را تقدیم شما خوبان کنم، اما مقدر نبود و کار به این هفته و امروز افتاد. این هم از آن سوابق شیرین تاریخی است که مملکت ما ۱۱۶ سال است مجلس قانون‌گذاری دارد. به کم و کیفش، البته کاری نداریم، در این مدت فراز و فرود بسیاری داشته‌ایم اما اصل این است که خانه ملت ایران، ۱۱۶ سال عمر دارد و این سابقه، دست کم میان ملل آسیایی، درخور توجه و افتخار است. هر چند که مورخان معتقدند سابقه فعالیت مجلس در ایران، به عهد اشکانیان و فعالیت دو مجلس «شاهی» و «مهبستان» بر می‌گردد، اما اگر بخوایم تعریف مجلس را در معنای امروزی آن در نظر بگیریم، قدمت این نهاد قانون‌گذاری در کشور ما، همان ۱۱۶ سال است.

● برگزاری نخستین انتخابات در مشهد

درباره اینکه مشهد در انقلاب مشروطیت چه وضعی داشت و اینکه موضع مردم و بزرگان شهر درباره آن چه بود، حرف بسیار است و به شرط حیات، در آینده به سراغش خواهیم رفت اما صحبت امروز ما درباره نخستین انتخابات مجلس در تاریخ مشهد و راه یافتن اولین نمایندگان شهر به مجلس شورای ملی است. نظام‌نامه انتخابات، در ۱۸ شهریور سال ۱۲۸۵ خورشیدی به تصویب رسید و بعد، آن را به ولایات فرستادند تا بر اساس این نظام‌نامه، انتخابات برگزار و نماینده (یا وکیل) انتخاب شود. البته به عمل درآوردن آنچه روی کاغذ نوشته بود، به سادگی امکان نداشت. به هر حال، گروهی مخالف مشروطیت بودند و در مسیر استقرار آن کارشکنی می‌کردند. مثلاً آصف‌الدوله، حاکم وقت خراسان که به دلیل کارنامه مللو از ستمکاری و اجفافش به مردم، اصلاً با مشروطه‌خواهان سر سازش نداشت. با همه این مشکلات، بالاخره انجمن نظارت بر انتخابات، با تلاش و کوشش مشروطه‌خواهان و جمعی از علمای مشهد پا گرفت و مفاد قانون انتخابات به اطلاع مردم رسید. در دوره اول مجلس شورای ملی، انتخابات به صورت صنفی انجام می‌شد، یعنی هر گروه و طبقه از مردم، نماینده خودش را انتخاب می‌کرد و به مجلس می‌فرستاد. کار هم به این صورت بود که در ابتدا، گروه‌ها و اصناف مجاز به انتخاب نماینده، از میان خودشان افرادی را بر می‌گزیدند و این افراد، در جلسه‌ای مشترک شرکت می‌کردند و رأی می‌دادند؛ یعنی انتخابات به این صورت نبود که همه مردم پای صندوق رأی بروند. انجمن نظارت بر انتخابات، بعد از تبلیغات و انتخابات اولیه، از نمایندگان برگزیده اصناف و گروه‌ها دعوت کرد تا در جلسه‌ای که در منزل شاهزاده سراج‌السلطان، واقع در محله سراب برگزار می‌شد، جمع شوند و وکلای نهایی را انتخاب و به تهران اعزام کنند. در متن نخستین اعلامیه انتخابات، درباره شرایط نمایندگی چنین آمده‌بود: «(اول) زبان فارسی بدانند (دوم) سواد فارسی داشته‌باشد (سبیم) رعیت ایران باشد (چهارم) محله و کوچه و خانه و حجره‌اش معروف باشد (پنجم) نوکر دولت نباشد (ششم) سن او از سی سال کمتر نباشد (هفتم) سن او از هفتاد سال بیشتر نباشد (هشتم) ورشکسته با تقصیر نباشد که اگر ورشکسته است بی‌تقصیری خود را ثابت کرده‌باشد عیب ندارد (نهم) متهم به قتل نباشد (دهم) متهم به دزدی نباشد که شرعاً دفع تهمت از خود نکرده‌باشد (یازدهم) معروف به بابی و صوفی و شیخی بودن نباشد (دوازدهم) فسق آشکار نداشته‌باشد اگر چه اسرار به دروغ گفته باشد (سیزدهم) عاقل باشد (چهاردهم) بینا به امور مملکت باشد». طبعاً تأیید مصادیق فوق در نامزدها هم بر عهده انجمن نظارت بر انتخابات بود.

● وکلای مشهد انتخاب می‌شوند

نظام‌الاسلام کرمانی، در کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان»، درباره انتخابات مجلس در مشهد، گزارش کوتاهی دارد. وی در این گزارش می‌نویسد: «هزار و سیصد نفر از اصناف، مدت ده روز، متوالیاً دعوت به مجلس انتخابات شده و به دویست نفر رأی داده‌اند». پس از انتخاب این ۲۰۰ نفر، منتخبان از میان خود چهار نفر را به عنوان نمایندگان مردم مشهد در نخستین مجلس شورای ملی، برگزیدند. رأی‌گیری نهایی، به صورت مخفی و بر روی برگه انجام گرفت تا صورت جلسه‌شود. مرحوم مدرس رضوی، در کتاب «سال‌شمار وقایع مشهد»، منتخبان نهایی را از این قرار اعلام کرده‌است: «۱- حاج میرزا علی‌آقای مجتهد تبریزی(نماینده علما)، ۲- سیدعبدالحسین شهباشانی» (نماینده کسبه)، ۳- حاج میرزا علی‌نقی ناظم آستانه(نماینده ملاکین) و ۴- آقارضا رئیس‌التجار(نماینده بازرگانان)». بالاترین رأی از آن میرزا علی‌آقای مجتهد تبریزی بود که در برخی منابع تعداد آرای او را ۶۰ و در برخی دیگر، ۳۵ رأی نقل کرده‌اند که با توجه به آراء کلی، یعنی ۲۰۰ رأی، باید رقم ۶۰ رأی برای مجتهد تبریزی درست باشد. سؤالی که ممکن است به ذهن شما برسد، این است که باتوجه به انتخاب نمایندگان از صنف‌های گوناگون، چطور ممکن است بتوان رأی مجتهد تبریزی را رأی اول دانست؟ پاسخ این است که مطابق ماده۵ نظام‌نامه انتخابات آن زمان، منتخبان مرحله اول، مجبور نبودند «حتماً از صنف و طبقه خودشان انتخاب کنند» و به همین دلیل، در برگزیدن نمایندگان نهایی، آرا چندان هم مطابق با طبقه و صنف مشخص نبود.

● اندر احوالات نخستین «وکیل اول» مشهد

مجتهد تبریزی، نماینده اول مردم مشهد در نخستین دوره مجلس شورای ملی، را فردی سلیم‌النفس و درست‌کردار توصیف کرده‌اند. او چنان که از نامش معلوم است، اصالتاً از اهالی آذربایجان بود. به همین دلیل، تعدادی از بازرگانان آذربایجانی مقیم مشهد، تصمیم گرفتند هزینه سفر وی به تهران، برای شرکت در جلسات مجلس شورای ملی را بپردازند، اما مجتهد تبریزی نپذیرفت و تأکید کرد که رفتن به تهران و شرکت در جلسات مجلس را وظیفه شرعی خود می‌داند و حاضر نیست بابت آن‌ها، وجه یا کمکی دریافت کند. ظاهراً وضعیت مالی مجتهد تبریزی هم خیلی مناسب نبود، چون برای تهیه خرج سفر، ناچار شد تعدادی از کتاب‌های خودش را بفروشد و در نهایت سادگی و با کمترین هزینه، راهی تهران شود. نمایندگان خراسان در دوره اول مجلس شورای ملی، بسیار فعال عمل کردند. اگر یادتان باشد، درباره قصبه آصف‌الدوله شاهسون و داستان غم‌انگیز فروش دختران خردسال به ترک‌مانان گفتیم که نمایندگان مشهد و خراسان در دوره اول، چگونه به دنبال احقاق حق و محاکمه آصف‌الدوله بودند. تعدادی از رعایای قوچان، که از ستم آصف‌الدوله و اطرافیانش به ستوه آمده بودند، به تهران رفتند و خواستار برکناری و مجازات وی شدند. در پی این اقدامات، او از حکومت خراسان معزول شد. حسن اعظام قدسی، مشهور به «اعظام‌الوزاره»، شرح کامل جلسات رسیدگی به جرائم آصف‌الدوله را در خاطراتش آورده‌است. در این جلسات، افزون بر نمایندگان دولت و مجلس، رعایای قوچانی و نیز «حاج میرزابابا»، نماینده قوچان در مجلس شورای ملی دوره اول نیز، حضور داشته است.



نخستین اعلان انتخاباتی در مشهد، به دست احمدآزک آرشو شخصی



۳شنبه
۱۵ آذر ۱۳۹۹
شماره: ۳۸۸

۱۵
SHAHRAANews.IR



تاریخ و هویت